

## اسم

اسم‌ها کلماتی هستند که برای نامیدن کسی، چیزی، مکانی و ..... به کار می‌روند و از نشانه‌های اسم ویژگی‌های زیر است.

۱- قابلیت جمع بستن را دارا است. کتاب / کتاب‌ها

۲- می‌توان برای آن صفتی را آورد. درخت / درخت سرسبز

۳- می‌توان به آن «ی» نکره افزود. شب / شبی

## مفرد/جمع

اسم‌ها از نظر تعداد اعضایی که در بر می‌گیرند به مفرد و جمع تقسیم می‌شوند.

مفرد: کلماتی که فقط یک عضو دارد. مانند: کتاب، درخت دوست

جمع: کلماتی که بر بیش از یکی دلالت کند.

## انواع جمع:

جمع با نشانه ۱- جمع با نشانه‌ی جمع فارسی (ان، ها) درختان، گلها ۲- جمع با نشانه‌ی جمع عربی (ات، ین، ون) تغییرات، معلمین، انقلابیون

جمع بی نشانه: ۱- جمع مکسر: کتب، مدارس، علوم ۲- اسم جمع: بدون نشانه‌ی جمع بر تعداد زیادی دلالت کند. مانند: لشکر، قبیله

## استعاره

در واقع استعاره همان تشبیه است که تمام اجزای به جز مشبّه به و یا مشبّه حذف شده است ولی باید دلایلی از تشبیه به جا مانده باشد.

مثال :

بتی دارم که گرد گل ز سنبل سایبان دارد

یار = بت / چهره = گل / زلف = سنبل /

در مثال کلمات: بت و گل و سنبل استعاره هستند.

ژاله از نرگس چکید و برگ گل را آب داد      وز تگرگ ناز پرورد مالش عناب داد

ژاله = اشک / نرگس = چشم / برگ گل = صورت / تگرگ = دندان / عناب = لب /  
در این مثال ها مشبّه به باقی مانده است

مثال هایی برای به جا ماندن مشبّه: دست روزگار - پای مرگ

روزگار مانند انسان دست دارد / مرگ مانند انسان راه می رود

## اشتقاق

یکسانی دویا چندواژه دردو یاچند صامت است که هم ریشگی (هم خانواده) راستین یا خیالی آنها را به یاد می آورند. / زمانی دویاچند واژه آرایه ی اشتقاق دارند که هماهنگی داشته باشندولی جناس نباشند /

اشتقاق:هم ریشگی راستین:

زمشرق سرکوی، آفتاب طلعت تو

اگر طلوع کند طالعهم همایون است طلعت، طلوع و طالع

همریشگی خیالی :

به جای می سرخ کین آوریم

کمان و کمند و کمین آوریم کمین، کمان و کمند

## جمله

به مجموعه کلماتی که بتواند پیامی را از نویسنده به خواننده و یا از گوینده به شنونده منتقل کند جمله می گویند.

جمله با توجه به نوع پیامی را که دربر دارد به چهار دسته تقسیم می شوند:

جمله ی امری : فرمانی یا خواهشی را می رساند و با فعل امر همراه است. مانند : کتاب را بردار.

جمله ی پرسشی: که پرسشی می کند و با کلمه ی پرسش همراه است . مانند: چرا کتاب را نیاوردی؟

استفهام انکاری پرسشی است که جواب آن معلوم است و معمولاً گوینده و شنونده از قبل پاسخ را می دانند. مانند: که تواند که دهد میوه ی الوان از چوب؟

جمله ی عاطفی: احساسات و عواطف درونی را نشان می دهد و با کلمه ای که بیانگر این احساسات باشد همراه است.مانند: به به چه هوای خوبی!

جمله ی خبری: بیان کننده ی خبری است . مانند:دوستان خوبم را دیدم.

در پایان جملات امری و خبری (.) نقطه و در پایان جملات پرسشی (?) علامت پرسش و در پایان جملات عاطفی (!) علامت تعجب می گذاریم.

## ایهام

ایهام: آوردن واژه ای است با حداقل دو معنی که یکی نزدیک به ذهن و دیگری دور از ذهن باشد؛ مقصود شاعر معمولاً معنی دور و گاه هر دو معنی است؛ زمانی می‌توانیم آرایه ایهام را دریابیم که به معانی گوناگون واژه‌ها آگاه باشیم.

مثال: آواز تیشه امشب از بیستون نیامد      گویا به خواب شیرین فرهاد رفته باشد

شیرین به دو معنی است:

معشوقه فرهاد شیرین

خواب خوش، مرگ

ایهام تناسب: آوردن واژه ای است حداقل با دو معنی که یک معنی آن مورد نظر و پذیرفتنی است و معنی دیگر نیز بابعضی از اجزای کلام تناسب دارد. / در ایهام تناسب تنها یک معنی به کار می‌آید ولی در ایهام گاه هر دو معنی پذیرفتنی است /

مثال: چنان سایه گسترد بر عالمی      که زالی نیندیشد از رستمی

زال: پیرزن سپید مو / زال: پدر رستم      در شعر به معنی پیرزن سفید مو است

بدل

بدل کلمه یا عبارتی است که توضیحی در باره ی اسم قبل از خود می دهد و اگر این توضیح را به جای همان اسم به کار ببریم معنی جمله عوض نخواهد شد.

بدل معمولاً در بین دو ویرگول قرار می گیرد.

مانند: فردوسی، سراینده شاهنامه، در شهر توس به دنیا آمد.

## ترتیب اجزای جمله

در زبان فارسی اجزای جمله به طور عادی به ترتیب زیر رعایت می شود:

نهاد+مسند/مفعول+متمم+فعل، قید معمولاً در اول جمله می آید اما با توجه به این که چه کلمه ای را مقید کرده باشد در هر جای جمله ممکن است قرار گیرد.

در شعر بنا به اقتضای وزن شعر ترتیب اجزای جمله رعایت نمی شود.

## بن فعل

در هر ساختی از فعل جزئی هست که مفهوم اصلی فعل را بیان می کند و در همه ساختهای فعل ثابت است.

الف- بن ماضی : مصدر بودن ن: رفتن رفت

ب- بن مضارع : امر بدون ب: برو رو



## آرایه ی تشخیص

یکی از محبوب ترین و پر کاربردترین آرایه ها ست که به صورت های گوناگون نمود پیدا می کند که معروف ترین آن ها انسان نمایی است بدین معنی که رفتار و اعمال انسان را به غیر انسان نسبت می دهیم مانند

دانه آرام بر زمین غلتید      رفت وانشای کوچکش را خواند / انشا خواندن مختص انسان است

یکی دیگر از نمودهای تشخیص جان دادن به اشیای بی جان است

مانند: ناگهان تکبیر پر وا کرده گردون رسید ناله ی هر مرغ زار

تشبیه : ادعای همانندی میان دو یا چند چیز است.

ارکان و پایه های تشبه: مشبّه، ادات تشبیه ، مشبّه به و وجه شبه

مشبّه: چیزی یا کسی که قصد مانند کردن آن را داریم.

مشبّه به: چیزی یا کسی است که مشبّه ، به آن مانند می شود.

وجه شبه : ویژگی یا ویژگی هایی مشترک میان مشبّه و مشبّه به است.

ادات تشبیه: واژه ای است که نشان دهنده پیوند شباهت است مانند : /چون، مانند، همچون، مثل ، چو، شبیه ، گویی ، به کردار

وجه شبه معمولاً باید در مشبّه به بارزتر و مشخص تر باشد.

مشبّه و مشبّه به: طرفین تشبیه نام دارند و در تمام تشبیهات حضور دارند اما ادات و وجه شبه می توانند حذف شوند.

/دانا چو طلبه عطار است خاموش و هنر نمای /

مشبّه ادات تشبیه مشبّه به وجه شبه

روی چون مهتاب زیبا

برای فهم یک تشبیه باید به سراغ مشبّه به رفت که مهمترین پایه ی تشبیه است زیرا وجه شبه از آن استنباط می شود .

هدف از تشبیه: هدف از تشبیه ، توصیف ، اغراق ، مادی کردن حالات و ... است.

اضافه تشبیهی

هرگاه بین مضاف و مضاف الیه رابطه ی شباهت و همانندی باشد به آن اضافه ی تشبیهی میگویند.

مانند: لب لعل، خورشید ایمان، مروارید اشک، کیمیای عشق، خانه ی دل

در دلش خورشید ایمان را نمی دیدند.

## تضمین

آوردن آیه ، حدیث ، مصرع یا بیتی از شاعری دیگر را در اثنای کلام تضمین می گویند  
تضمین با ایجاد تنوع سبب لذت خواننده یا شنونده می شود / آگاهی شاعر از موضوعات  
مختلف را نشان می دهد

مثال: چه خوش گفت فردوسی پاکزاد      که رحمت بر آن تربت پاک باد

میازار موری که دانه کش است      که جان دارد و جان شیرین خوش است / آوردن شعر

فردوسی

چشم حافظ زیر بام قصر آن حوری سرشت      شیوه ی جنات تجری تحت الانهار داشت / آوردن  
آیه ای از قرآن

## تضاد

تضاد آوردن دو کلمه با معنی متضاد است در سخن برای روشنگری ، زیبایی و لطافت آن .

تضاد قدرت تداعی دارد و ازین رو سبب تلاش ذهنی می شود ؛ تضاد در شعر و نثر به کار می

رود.

لعل سیراب به خون تشنه ، لب یار من است      وز پی دیدن او دادن جان کار من است

تشنه،سیراب

در هوایت بی قرارم روز و شب      سر ز کویت بر ندارم روز و شب      روز، شب

تناقض /پارادوکس /: آوردن دو واژه یا دو معنی متناقض است در کلام به گونه ای که آفریننده

زیبایی باشد.

مثال: هرگز وجود حاضر غایب شنیده ای من در میان جمع و دلم جای دیگر است

حاضرِغایب

از تهی سرشار      جویبار لحظه ها جاریست      پر از تهی

صدای سکوت همه جا را پر کرده بود      صدای سکوت

اشاره ای است به بخشی از دانسته های تاریخی، اساطیری، حدیث یا آیه و غیره

ارزش تلمیح به میزان یادآوری ای دارد که از آن حاصل می شود، هر قدر اسطوره ها و داستانهای مورد اشاره لطیف باشند تلمیح تداعی (یادآوری) لذت بخش تری را به وجود می آورد

مثال: ما قصه ی سکندر و دارا نخوانده ایم از ما بجز حکایت مهر و وفا می پرس / حافظ اشاره به داستان اسکندر و دارا

جانم ملول گشت ز فرعون و ظلم او آن نور روی موسی عمرانم آرزوست / مولانا

اشاره به داستان حضرت موسی

ذات او دروازه ی شهر علوم زیر فرمانش حجاز و چین و روم (انا مدیته العلم و علی بابها)

## تکرار

تکرار: هنگامی که یک واژه بیش از دو بار یا بیشتر به صورت نامنظم در بیتی تکرار شود آرایه ی تکرار پدید می آید. که موسیقی درونی مصراع با آن بیشتر می شود، لازم به یاد آوری است ردیف در شعر تکرار محسوب نمی شود.

مثال: خیال روی کسی در سراسر است هر کس را      مرا خیال کسی، کز خیال بیرون است / خیال

سخن را سراسر است ای خردمند و بن      میاور سخن در میان سخن / سخن

## تمثیل

تمثیل: کلامی است که ضرب المثلی را در بر دارد و یا خود به ضرب المثل تبدیل شده است .

مثل ها ، خلاصه و چکیده ی حکمت تجربی و فرهنگی یک قوم هستند و تاریخچه ای را به دنبال خود می کشند و تأثیرشان بیشتر از عبارت های عادی است .

مثال: چرا عاقل کند کاری که باز آرد پشیمانی      زلیخا مرد ازین حسرت که یوسف گشت زندانی  
/حافظ /

حافظ: از مکافات عمل غافل مشو      گندم از گندم بروید جو ز جو

سعدی : مشک آن است خود ببوید نه آن که عطار بگوید

## جمله مرکب

جمله ی مرکب بیش از دو فعل دارد؛ مانند: اگر دروغ گو در دنیا نباشد جهان گلستان می شود.  
جمله ی مرکب معمولاً از یک جمله ی هسته (پایه) و یک یا چند جمله ی وابسته (پیرو) تشکیل می شود.

بخشی از جمله ی مرکب که حرف ربط وابسته ساز دارد جمله وابسته است

حروف ربط وابسته ساز مانند : که، تا، چون، زیرا، اگر، ... .

حروف ربط هم پایه ساز (اما، ولی، و، یا) جمله ی مرکب را نمی سازد.

توجه: در کتاب فارسی جمله هایی را که نیز فقط با یک حرف پیوند به هم ربط داده شده باشند ؛  
مرکب به حساب آورده حتی اگر معنی آن ها هم به هم وابسته نباشد.



## چند تلفظی

بعضی از کلمات در زبان فارسی رایج و معیار (رسمی) به دو شکل تلفظ می‌شوند؛ که معمولاً هم به صورت دو هجایی (بخش) و سه هجایی تلفظ می‌شوند.

مانند: آسمان، آسِمان / مهربان، مهربان / یادگار، یادِگار







































































































